

چهار چیز که چپ باید از کوبانی بیاموزد

برگرفته از: The Disorder of Things

ترجمه: ناصر احمدی

اخیرا شهر کوردنشین کوبانی به مرکز ستیزهای ژئوپولیتیکی تبدیل شده است که چه بسا مسیر سیاست خاورمیانه را تغییر دهد. بعد از ماه‌ها سکوت در مقابل تهدیدی که کوردها از سوی «دولت اسلامی» با آن مواجه بودند، سرانجام دنیا به نظاره‌ی رویدادهای کوبانی نشسته است، اگرچه «جامعه‌ی بین‌الملل» علنا ساکت مانده است. با این حال، همان‌طور که انتظار می‌رفت بسیاری از واکنش‌های ناظران غربی، شامل کارشناسان، روزنامه‌نگاران و فعالین، در زمره‌ی نقدهای دسته‌چندی از امپریالیسم آمریکا و بریتانیا باقی مانده‌اند. در اغلب این گونه واکنش‌ها، برجسته‌سازی سویی انتقادی فوق، اغلب به‌بهای چشم‌پوشی از سویی‌های حقیقتا استثنایی و در خور توجه تحولات اخیر انجام شده است. بر این اساس، به تعبیر چپ معاصر، چهار چیز هستند که ما می‌توانیم و می‌باید از حوادث داخل و پیرامون کوبانی یاد بگیریم.

۱. زمان به پرسش کشیدن تمرکز غرب بر دولت اسلامی

اگر اظهارات باراک اوباما، دوید کامرون و رجب طیب اردوغان اساسا باورپذیر باشند، [ظاهرا] تمرکز اصلی^۱ اصلی دخالت ناتو در سوریه بر «وحشی‌گری» بنیادگرایی است. بسیاری از منتقدان چپ، هنگام بررسی منافع غربی‌ها، به‌طور چشم‌گیری، نگرانی بسیار مشابهی را در مورد دولت اسلامی بازتولید کرده‌اند. با این وجود، ناتو در مقام یک سازمان امپریالیستی قدرتمند که گویا تصمیم به توقف افراط‌گرایی اسلامی گرفته به طرز عجیبی ناکارآمد بوده است. در واقع، آمریکا به شکلی غیرمستقیم مسئول مسلح شدن دولت اسلامی^۲ بوده و روی هم‌رفته در تسلیح مقاومت آشکارا سکولار کوردها ناتوان و یا بی‌میل^۳ بوده است. حملات هوایی آمریکا و بریتانیا گذرا و سمبولیک بوده‌اند و در بهترین حالت، تنها اندکی مانع از پیش روی نیروهای دولت اسلامی^۴ شده‌اند. علاوه بر این، ترکیه مکررا استفاده‌ی دولت اسلامی از قلمرو و مرز لاین کشور برای فعالیت‌های آموزشی و خطوط تدارکاتی^۵ را مورد چشم‌پوشی^۶ قرار داده است. اخیرا، زمانی که کوبانی در آستانه‌ی سقوط قرار گرفته بود، ترکیه اصرار داشت که هرگونه همکاری نظامی وی مشروط به

1. [Bombs won't solve the Isis problem](#), Guardian, 12 Oct. 2014

2. [ISIS' Ammunition Is Shown to Have Origins in U.S. and China](#), NewYork-Times, 5 Oct. 2014

3. [Street fighting rages in Syrian town as Islamic State moves in](#), Reuters, 6 Oct. 2014

4. [Syrian Kurds say air strikes against Isis are not working](#), Guardian, 6 Oct. 2014

5. [Syrian Kurds continue to blame Turkey for backing ISIS militants](#), Almonitor, 10 Jun. 2014

6. [Turkey accused of colluding with Isis to oppose Syrian Kurds and Assad following surprise release of 49 hostages](#), Independent, Independent, 21 Sep. 2014

لغو خودمختاری و خودگردانی کانتون‌ها [در روژ آوا] از سوی کوردهای حزب اتحادیه‌ی دموکراتیک^۷ («پ. ی. د.») و موافقت [کوردها] با منطقه‌ی امن مورد نظر ترکیه در شمال سوریه و مناطق تحت کنترل کوردها است (که چیزی بیش از تصرف استعماری این سرزمین خواهد بود). اکنون، با در نظر گرفتن اینکه آمریکا و بریتانیا مدت‌ها پیش از آنکه دولت اسلامی به عنوان تهدیدی نمایان شود، مشتاق دخالت [در سوریه] بوده‌اند و همچنین با در نظر گرفتن دشمنی دیرینه‌ی ترکیه با «پ. ک. ک.» و «پ. ی. د.»، ما باید از سطح تحلیل‌هایی که مساله‌ی مداخله‌جویی غرب را با دولت اسلامی آغاز و بدان ختم می‌کنند فراتر برویم. کوتاه سخن آن‌که، این مسئله بیش از پیش آشکار می‌گردد که دولت اسلامی چیزی بیشتر از بهانه‌ای کوچک برای ناتو به منظور پی‌گیری دیگر اهداف ژئوپلیتیک خود، از جمله کنار گذاشتن بشار اسد و نابودی خودمختاری کوردها نیست.

۲. مراقب اترناسیونالیسم لیبرال باش!

بسیاری از نقدهای مخالف مداخله‌ی نظامی بحث در دسترس بودن گزینه‌های غیرنظامی^۸ و دیپلماتیک، نظیر فشار بر بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران، دولت‌های خلیج و حتی روسیه را پیش کشیده‌اند. این ناشی از کج‌فهمی وضعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه است. اولاً، دولت آمریکا همه‌ی دولت‌های هم‌پیمان‌اش را با احاطه‌ی کامل تحت کنترل خود ندارد. به رغم وابستگی‌های تاریخی به آمریکا و با وجود استعاره‌ی «حکومت‌های دست‌نشانده»، اغلب دولت‌های خلیج با (داشتن) منافع و فعالیت‌هایی خارج از کنترل آمریکا، به نوبه‌ی خود به طور مشهودی بازیگران قدرتمندی هستند. هر درخواستی از سعودی‌ها به منظور قطع پشتیبانی مالی از دولت اسلامی احتمالاً همان‌قدر موثر است که از [خود] دولت اسلامی بخواهیم کمی کوتاه بیاید. ثانیاً، انتظار از دولت آمریکا برای همکاری دیپلماتیک با ایران و روسیه متکی بر فرض وجود مناسبات همکاری بین‌المللی [میان آنها] است، که چنین چیزی مطلقاً وجود ندارد. لاین به معنای آرزوی محو رقابت‌های دیرین میان سه حکومتی است که از دیرباز در جهت بسط نفوذ منطقه‌ای خود در حال رقابت بوده‌اند. این تصور که «اگر تنها غرب کشورهای شریر شرقی را به انجام این یا آن کار وا می‌داشت، این مناقشه حل‌شدنی می‌بود»، به معنای تأکیدی ناروا و بی‌جا نسبت به عاملیت دولت‌های غربی است. نهایتاً، لاین رویکرد به معنای به‌حاشیه راندن و در نتیجه فروستن امکان هر گونه بدیل غیردولتی و ضدسرمایه‌دارانه است که مبنای پروژه‌ی «پ. ک. ک.» / «پ. ی. د.» در باب خودگردانی دموکراتیک^۹ بوده‌اند در واقع روشن نیست که چرا الزامات و انگیزه‌های امپریالیستی که در عملیات نظامی نمودی بارز دارند، و از سوی دولت‌های غربی و البته قدرت‌های ارتجاعی و ضددموکراتیک منطقه‌ای هدایت می‌شوند، به همان اندازه‌ی «آلترناتیوهای آشتی‌جویانه» چالش‌برانگیز [بغرنج] نیستند. به این معنا، ما بایست لاین ادعای حکومت‌ها که دخالت نظامی «تنها گزینه است» را به طور جدی به پرسش بکشیم. و همچنین باید مراقب صلح‌دوستی پوچ (نئو)لیبرالی و مفهوم‌پردازی‌های دولت‌محور از «همکاری» باشیم، که تاکنون شرایط

7. PYD

8. [We must beware – Isis wants the west to conduct a crusade, Guardian](#), 26 Sep. 2014

9. [Rojava: a struggle against borders and for autonomy](#), ROAR Magazine, 24 Jul, 2014

برای مورد اخیر غایب بوده است. (همچنان که در سیستم دولتی سرمایه‌داری چنین شرایطی همیشه غایب بوده است).

۳. به صدای کوردها گوش کن!

چپ غربی اغلب از یک گرایش شرق‌شناسانه و ناتوان‌انگار در شاخ و برگ دادن به [نقش] میانجی‌گری آمریکا و فروکاستن اقلیت‌ها و جوامع متأثر از این مداخله به مهره‌هایی منفعل که شایسته بررسی به حساب نمی‌آیند، آسیب می‌بیند. در واقع، شمار تفسیرهای ضد امپریالیستی که بیشتر متکی بر تکرار نقدهای منطق غارت‌گری قدرت‌های بزرگ است، تا بر تجارب و پویایی جوامع کوردی، خیره‌کننده است. از یک سو، این می‌تواند به طریقی باعث تکثیر کاریکاتورهای «فرقه‌گرایی کریه» و «بنیادگرایی اسلامی» توسط چپ شود، که از استدلال‌های *اوباما* و *کامرون* چندان دور به نظر نمی‌رسند.^{۱۰} و از سوی دیگر، اهمیت لندکی برای نقش جوامع کوردی مورد هجوم قایل است. نظر به اینکه [در این رویکرد] انگیزه‌ها و کنش‌های مردم کورد در مقابله با امپریالیسم در سرزمین خود اصلاً حائز اهمیت نیستند، سیاست‌های منتج [از چنین رویکردی] اغلب می‌تواند زیان‌بخش باشند. برای مثال، شاید از خود پرسیم که چه چیز مردم کوبانی را به جای آلترناتیوی صلح‌طلبانه، به سوی جنگیدن سوق می‌دهد. این پرسش از آنجا حائز اهمیت فراوان است که کوردها در غرب کردستان (شمال سوریه) از چیزی دفاع می‌کنند که مسلماً والاترین امید چپ‌ها در منطقه است. حتی نگاهی گذرا به شکل‌گیری قانون اساسی و دستاوردهای سیاسی کانتون‌های کوردی^{۱۱}، بیشتر سازمان‌های چپ‌فریبی را شرمسار می‌کند. تا این هفته هم، همزمان با اعتصام‌های غذا و تظاهرات‌هایی که از سوی مردم کورد بریتانیا و دیگر جاها در همبستگی [با مقاومت کوبانی] برگزار می‌شد، گروه‌های ضدجنگ اعتراضاتی کاملاً مجزا را سازمان دادند، که به طور بالقوه تنش‌زا بود. چپ غربی اگر میل فروکاستن طبقه به ژئوپلیتیک را زودتر کنار بگذارد، زودتر می‌تواند همبستگی قابل اتکا و ثمربخشی را در اختیار گروه‌ها و جوامعی بگذارد که نیازمند و شایسته‌ی آن‌اند.

۴. مراقب ترکیه باش!

پیامد واکنش ترکیه در قبال کوبانی، مردم کورد و متحدان‌شان را در سراسر شهرهای ترکیه به خیابان‌ها کشاند^{۱۲} که دامنه و شدت درگیری‌ها با نیروهای پلیس و ژنرال‌مری در لاین‌تحرکات بعد از جنبش مقاومتی ۲۰۱۳ دیده نشده بود. این اعتراضات بسیار رزم‌جویانه و متمرکز بودند: مسدود کردن خیابان‌ها، حمله به ایست‌بازرسی‌ها، بانک‌ها، پلیس، و ساختمان‌های نظامی و دولتی؛ حتی بر طبق برخی گزارش‌ها، محله‌های مشخصی [از کنترل نیروهای دولتی] آزاد شدند. اخیراً، سیاست دولت ترکیه در رابطه با پتانسیل‌های سیاسی به جای‌مانده از جنبش پارک گزی به بن بست رسیده است و آشکارا در میان خشونت دولتی و پیروزی‌های انتخاباتی اردوغان در حال محو شدن بوده است. همزمان، روند به اصطلاح

10. جهت توضیح بیشتر، برای نمونه، [اینجا](#) و [اینجا](#) را ببینید.

11. [The Constitution of the Rojava Cantons](#)

12. [Battle for Kobani: Isis bears down despite US air strikes and street clashes – as it happened](#), Guardian, 7 Oct. 2014

«صلح کوردها» شاید به شکلی بازگشت‌ناپذیر به تعلیق افتاده باشد؛ همچنان که سازش‌کاری دولت ترکیه چیزی بیش از تظاهری چرب‌زبانانه نیست. به سختی قابل‌پیش‌بینی است که آیا برخورد بین مخالفان و دولت شدت خواهد یافت یا نه؛ اما آشکار است که دسیسه‌های دولت ترکیه در کوردستان واکنش کوردها را در ترکیه در پی خواهد داشت.

بخش‌های بزرگی از جامعه‌ی ترکیه شدیداً نژادپرست باقی مانده‌اند و از این رو احتمال قطبی شدن [فضای جامعه] وجود دارد. هرچند دلایلی برای این امیدواری وجود دارد که در این دوره شاهد تفاوت‌هایی باشیم. جنبش پارک‌گزی حمایتی نوین اما نه چندان کامل از آزادی‌خواهی کوردها را به نمایش گذاشت. در انتخابات اخیر ریاست جمهوری ترکیه، حمایت بی‌سابقه‌ی عمومی از حزب «ه. د. پ.»^{۱۳}، که آشکارا از حقوق مردم کورد طرفداری می‌کند، این مساله را به روشنی اثبات کرد. علاوه بر این الگوی «پ. ک. ک.» / «پ. ی. د.» از خودگردانی دموکراتیک در کوبانی، روژئاوا و جاهای دیگر یک بدیل توانمند و موثر را در برابر اقتدارگرایی حزب «آک-پارتی» [حزب اردوغان] پی‌ریزی کرده است. از لین رو، آینده‌ی کوبانی برای امیدهای دموکراتیک و انقلابی مردم ترک، سوری و کورد بسیار سرنوشت‌ساز است.

* * *

منبع: متن فوق ترجمه‌ای است از مقاله‌ی زیر:

[Four Things the Left Should Learn from Kobane](#)

The Disorder of Things, Oct. 2014

13. HDP نام ائتلافی سیاسی است که در سال ۲۰۱۳ میان حزب کوردی «ب. د. پ.» و برخی احزاب چپ ترکیه بر مبنای باور به سه اصل سوسیالیسم، ضدیت با ناسیونالیسم و حمایت از «ال. جی. بی. تی.» شکل گرفته است و در انتخابات اخیر ریاست جمهوری ترکیه صلاح‌الدین بمرتاش را به عنوان کاندید خود معرفی کرد.